4شنبه 31/5/1403-16صفر 1446- 21اوت 2024 – درس 188فقه توان مندسازی – احکام توان پذیران – حکم اعراض از توان پذیری .

مساله :

شرح مساله : قاعده فقهیه معیشت ضنک قابل تطبیق بر مصادیق متنوع است هر اعراض و استنکاف سازمانی من جمله از توانمندسازی جریمه معیشت ضنک دارد سوال این است که معیشت ضنک چه ماهیتی دارد ؟ آیا مقول به تشکیک است آیا در جات دارد ؟ معیشت ضنک یک معنای واحد دارد که تنگی روزی است زیست سازمانی را محدود کردن و تنگ و سخت و تلخ نمودن . ولی کلی متواطی است هر مصداق و جزئی بهره ای از این معنا را دارد اخراج از سازمان ، تنزل رتبه ، کاهش دستمزد ، کاهش مبلغ قرارداد ،محرومیت از بسته های معیشتی و وام و.... همگی مصداق معیشت ضنک میتوانند باشند ولی قاعده دیگری هست که تعادل جرم و جریمه است جرم سنگین جریمه سنگین این عدالت است و تعادل است .طبیعی است عقلانی و عرفی است شرعی است . "انما جزاء سیئه سیئة مثلها " [[1]](#footnote-1)سیئه دوم مراد همان جریمه است وسیئه اول جرم است . مثل به معنای معادل است . [[2]](#footnote-2)

 **در فرمان حکومتی امیر المومنین ع به مالک اشتر هم به این قاعده اشاره ای شده است :" *وَ أَلْزِمْ كُلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَه".[[3]](#footnote-3) و بر اساس آنچه که آنها برعهده دارند و به آن عمل مي‏نمايند با آنان رفتار نما***

***ازاین فرمایش بدست می آید که تنبیه و پاداش مسیئ و محسن باید متعادل باشد هر مقدار کوتاهی کرد و بر علیه خود اقدام والزام کرد آنان را بازخواست نما(ادامه دارد )***

1. **ترجمه تفسير مجمع البيان    ج‏22    156**

(وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها) از ابن نجيح و سدى و مجاهد است كه اين پاداش عبارتست از پاسخگويى دشنام هر گاه كسى به انسان گفت: خداوند ذليلت كند، بايد در پاسخ او بگويد: خداوند ترا ذليل كند بى‏آنكه زياده روى كرده باشد.

از مقاتل نقل شده است كه منظور انتقام گرفتن در زخمهايى است كه بر انسان وارد ميشود، يا خونى كه انسان طلبكار ميشود.

و اينكه دومى هم در اين آيه «سيّئه» ناميده شده است بخاطر تقابل با اولى است. همانگونه كه در جاى ديگر قرآن آمده است‏ «فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ» يعنى: هر كس نسبت بشما تجاوز كرد نسبت به او همانند تجاوزى كه‏

انجام داده است تجاوز كنيد.

**ترجمه تفسير الميزان    ج‏18    94**

" وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها ..." اين آيه حكم مظلوم را كه طلب يارى مى‏كند بيان مى‏نمايد كه چنين كسى در انتصار خود مى‏تواند در مقابل ستمگر رفتارى چون رفتار او داشته باشد كه چنين تلافى و انتقامى ظلم و بغى نيست.

در اينجا اين سؤال پيش مى‏آيد كه اگر تلافى مظلوم، ظلم و بغى نيست چرا آيه مورد بحث آن را هم" سيئة" خوانده؟ بعضى در پاسخ از آن گفته‏اند: چون در مقابل سيئه ستمگر قرار گرفته، هم چنان كه قرآن كريم در جاى ديگر فرموده:" فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ".

زمخشرى در پاسخ گفته: از اين رو هر دو عمل را سيئه و بد خوانده كه با هر كس چنان رفتار شود ناراحتش مى‏كند، ظالم با ظلم خود مظلوم را ناراحت مى‏كند و مظلوم هم با انتقام خود ظالم را، پس در آيه شريفه حقيقت معناى كلمه رعايت شده. البته اين نكته را هم گنجانده كه مجازات ظلم ظالم بايد مثل آن باشد، نه بيشتر، كه در اين صورت عملى است پسنديده و گر نه عمل زشتى خواهد بود.

**تفسير نمونه    ج‏20    465**

ولى از آنجا كه يارى كردن يكديگر نبايد از مسير عدالت خارج شود، و به انتقام‏جويى، و كينه‏توزى، و تجاوز از حد منتهى گردد، در آيه بعد فورا آن را مشروط ساخته، مى‏افزايد: توجه داشته باشيد" كيفر بدى مجازاتى همانند آن است" (وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها).

مبادا به خاطر اينكه بعضى از دوستان شما مورد ستم واقع شده‏اند از حد بگذرانيد، و خود مبدل به افراد ظالمى شويد، به خصوص اينكه در جوامعى همچون جامعه عرب در آغاز اسلام احتمال تجاوز از حد به هنگام پاسخ گفتن به ظلم احتمال قابل توجهى بوده، و مى‏بايست حساب يارى مظلوم از انتقام‏جويى جدا شود.

البته كار ظالم بايد" سيئه" و بدى ناميده شود، اما كيفر او مسلما" سيئه" نيست، و اگر در آيه از آن تعبير به" سيئه" شده، در واقع به خاطر قرينه مقابله است، يا اينكه از ديدگاه ظالم كه مجازات مى‏شود" سيئه" مى‏باشد، اين احتمال نيز وجود دارد كه تعبير از آن به" سيئه" به خاطر اين است كه مجازات آزار و ايذاء است و آزار و ايذاء ذاتا بد است، هر چند به هنگام قصاص و كيفر ظالم كار خوبى محسوب مى‏شود.

اين شبيه تعبيرى است كه در آيه 194 سوره بقره آمده است: فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ‏:" هر كس به شما تعدى كند به مانند آن بر او تعدى كنيد، و از خدا بپرهيزيد (و زياده روى نكنيد).

ولى به هر حال اين تعبير مى‏تواند مقدمه‏اى باشد براى دستور عفو كه در جمله بعد آمده، گويى مى‏فرمايد: مجازات هر چه باشد يك نوع آزار است، و اگر طرف پشيمان شده باشد شايسته عفو است.

در اين گونه موارد عفو كنيد چرا كه" هر كس عفو و اصلاح كند اجر و [↑](#footnote-ref-1)
2. ***غافر : 40 مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلا يُجْزى‏ إِلاَّ مِثْلَها وَ مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى‏ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فيها بِغَيْرِ حِسابٍ***

***النساء : 85 مَنْ يَشْفَعْ شَفاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصيبٌ مِنْها وَ مَنْ يَشْفَعْ شَفاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْها وَ كانَ اللَّهُ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ مُقيتاً***

***يونس : 27 وَ الَّذينَ كَسَبُوا السَّيِّئاتِ جَزاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِها وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ما لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عاصِمٍ كَأَنَّما أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعاً مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِماً أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فيها خالِدُونَ***

***الشورى : 40 وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها فَمَنْ عَفا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لا يُحِبُّ***  [↑](#footnote-ref-2)
3. ***نهج البلاغة (للصبحي صالح) ؛ ص430***

***وَ لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَ الْمُسِي‏ءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ‏ تَزْهِيداً لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَ أَلْزِمْ كُلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَه‏نيکوکار و گناهکار در نزدت يکسان نباشند. همانا که مساوات ميان آن دو موجب مي‏شود که نيکوکار در اعمال خود سست شود و گناهکار و بدکار در رفتارهاي زشت خود استوار گردد، و بر اساس آنچه که آنها برعهده دارند و به آن عمل مي‏نمايند با آنان رفتار نما*** [↑](#footnote-ref-3)